حقوق بشر با خدا والله؟

شهین اعوانی

روز 26 و 27 شهریور 1377 (17 و 18 سپتامبر 1999) با همکاری آکادمی کاتولیک و آکادمی پروتستان در برلین، سمیناری تحت عنوان «حقوق بشر با خدا والله » (Menschenrechte mit Gott und Allah) در محل آکادمی کاتولیکی برلین با حضور صد و بیست نفر از محققان، روحانیون و متکلمین مسیحی و نیز اندیشمندان و محققان مسلمان برگزار شد. سخنران مسلمان این همایش، استاد دکتر محمد مجتهد شبستری بود که به عنوان استاد کلام اسلامی از دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، به دعوت آکادمی مذکور در این همایش شرکت کرده بود.

در دعوتنامه این همایش علمی آمده است: «مجموع نظامهای حقوق بشری مدعی عمومیت مطلق اند و مفاد خود را مطلق و مکتفی بالذات می انگارند. از یک سو، نمی توان پدیده حقوق بشر را قطع نظر از سنت اسلام و مسیحیت ملاحظه کرد. از سوی دیگر، هم اسلام و هم مسیحیت، ضمن برخورداری از تلقی خاص و ادله ای که در این خصوص اقامه می کنند، با ارائه دیدگاههای معارض نقد و بررسی می کنند. به رغم این معارضه ها، روشن است که اعلامیه جهانی حقوق بشر مبنایی برای یک همزیستی گسترده انسانها از تبارها، ادیان، اقوام و مجتمعات مختلف است ». مسؤولان و گردانندگان سمینار، آقای دکتر ارنست پولسفرت، (Ernst Pulsfort) از آکادمی کاتولیک در برلین و دکتر رلف هانوش، (Rolf Hanusch) از آکادمی پروتستان در برلین، هدف از برگزاری این سمینار را «تعمیق بخشیدن » به مساله فوق ذکر کرده اند. «هدف برگزاری این اجلاس، طرح مواضع خاص این دو دین در معارضه با اعلامیه جهانی حقوق بشر نیست، بلکه مراد این است که منابع کلامی و انسان شناسانه این دو دین بزرگ، از حیث غنابخشی به اعلامیه مذکور، با تلقی مثبت مورد بررسی قرار گیرند.»

به طور کلی در این همایش، مباحث حقوق بشر در ادیان پیرامون مبحث «آزادی در ادیان » مورد مداقه قرار گرفت. در جلسه افتتاحیه، آقای دکتر هانوش، ضمن خوشامدگویی به حضار، در بین ارگانهایی که با علاقه مندی، موضوعات پیشنهادی سمینار را بررسی و پیشنهاداتی ارائه دادند، از مرکز اسلامی هامبورگ، سفارت جمهوری اسلامی ایران در بن، سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در برلین و نیز از سازمان صدا و سیما که ضبط کامل برنامه را برعهده گرفته بود، تشکر کرد. آقای دکتر ارنست پولسفرت نیز در سخنان افتتاحیه خود، تاکید کرد که مسیحیت در اروپا و آمریکا خود را با مدرن گرایی و تجدد آمیخته، ولی خود در این تحول، متوجه مسائلی شده است. اسلام حقوق بشر را مبحث جدیدی نمی داند و آن را به 14 قرن پیش از این، به پیامبر اسلام نسبت می دهد. اکثر کشورهای اسلامی در دوره ای از تاریخ خود، زیر سلطه کشورهای اروپایی بوده اند. آنها از این طریق طعم استعمار غرب را چشیده اند و در عمل، به بی محتوا بودن آنچه که غرب ادعا می کند، پی برده اند. بنابراین نمی توانند آنچه را که حقوق بشر ادعا می کند، بپذیرند. حقوق بشر از دیدگاه کشورهای اسلامی، بیشتر سیاسی است تا انسانی و حقوقی. دین و سیاست،جدایی یا اتحاد آن، مبحثی است که هنوز در کشورهای اسلامی مطرح است. سؤال اصلی این است که تا چه اندازه ادیان [مسیحیت و اسلام] می توانند حقوق بشر را بپذیرند و یا در آن اعمال نظر و آن را تکمیل کنند.

اولین سخنران رسمی روز اول، آقای «پروفسور مایر» از دانشگاه دورتموند و متخصص علوم سیاسی بود که تحت عنوان «تکوین و تحول حقوق بشر، تبیین و جایگاه فعلی آن در مباحث بین المللی و بین الادیانی » سخنرانی کرد. او درصدد اثبات این مطلب بود که در تعریف حقوق بشر، انسان در فعالیتها، تفکر، اظهارات و... آزاد است. محدودیت انسان به لحاظ انسانیت اوست و نه هیچ چیز دیگر. ادیان الهی و به طور کلی ادیان، برای تکامل بشریت و اظهار معنای انسان کامل آمده اند و هیچ دینی ضد بشر نیست. بنابراین، حقوق انسان از دیدگاه دینی مشخص و معین است. ولی حقوق بشر به معنای غربی آن، تعالی انسان را مدنظر قرار نمی دهد. حقوق بشر انسان معنوی به بار نمی آورد.

وی افزود: کرامت انسانی، (Menschenw د rde) باید یکی از اساسی ترین اصول حقوق بشر قرار گیرد و این نکته ای است که در حیطه فردی و اجتماعی، در تمامی ادیان از کنفوسیوس، بودا، یهود تا مسیحیت و اسلام، مدنظر قرار گرفته است. امروزه همه فرهنگها در فکر آنند که مدرن گرایی و تجدد را تکامل و بنیادگرایی را مردود بدانند.

اصولا مفهوم بنیادگرایی با آن همه غنای معنایی، امروزه دچار سیاست زدگی شده که آن هم خود نوعی «سیاست بازی » است. درنظر یک جناح، حقوق بشر مظهر ترقی است و دین مظهر بنیادگرایی و جناح دیگر، حقوق بشر را مظهر غربی و دین را به معنای تکامل معنوی انسانی و غایت زندگی می شمارد.

در پایان این بخش از جلسه، پرسش و پاسخ بود. بیشتر سؤالها بر محور کارآیی و ضرورت توجه عملی به تمامی اصول حقوق بشر در عصر امروز، حقوق بشر انسان را به کجا می برد، آیا باید به حقوق بشر به عنوان یک پدیده سیاسی نگریست و امثالهم بود. حدود 25 تا 30 نفر از جمع 120 مدعو شرکت کننده را گروههای سیاسی چپ ایرانی تشکیل می دادند که به رغم مخالفت نسبی، مطالعات وسیعی در سطح بین الملل به لحاظ تاریخی، سیاسی و مسائل روز داشتند و اکثر سؤالات جلسه نیز از سوی آنها مطرح می شد.

روز دوم همایش با سخنرانی آقای پروفسور دکتر گرهارد لوف، (Gerhard Luf) تحت عنوان «مسیحیت چه دستاوردی برای غنابخشی به اعلامیه جهانی حقوق بشر ارائه می کند؟» شروع شد. او گفت: مشکل حقوق بشر در مسیحیت، وقتی نمایان می شود که ما بخواهیم آن را به عنوان یک اصل کلامی و الهی در کنار وحی قرار دهیم. از زمانی که بشر از معنای تشبه به الله، (Gottesebenbildlichkeit) در آمد، یعنی از ربوبیت و بندگی به پدر و فرزندی تغییر معنا داد، معنای بشر و بشریت، عبد و رب، تکلیف و حق، عوض شد.

در مواجهه با حقوق بشر که آزادی یکایک انسانها را اساس قرار می دهد،اصول اخلاقی دینی در قالب کرامت انسانی، آزادی را تفسیر و تاویل می کند و به صورت پل ارتباطی بین آزادی فردی به معنای حقوق بشری و آزادی مشروط دینی در می آید.

آقای پروفسور لوف، فرق جامعه خدامحور، (Theonomie) و جامعه مبتنی بر اختیار انسان، (Autonomie) را برشمرد و گفت: نباید این دو اندیشه را در مقابل یکدیگر نهاد، بلکه دین باوری واسط بین آنها است. اگر انسان امروزی در عین حاکمیت آزادی و اختیار، دین باور باشد و در ضمیر خود، اصول اخلاقی دینی حتی انسانی را نه به عنوان قانون صرف اجتماعی یا عادت، بلکه به عنوان باور بپذیرد، بسیاری از تضادهای دین و سیاست، دین و حقوق، دین و تکلیف اجتماعی، دین و قانون بشری و... از بین می رود. او افزود: من اصلا نسبیت ادیان، (Relativierung der Religionen) را به نسبیت حقیقت معنا نمی کنم و دین باوری را معارض آزادی عقیده نمی شمارم، ولی به اساس معنویت دینی و سعادت بشری انسان، به عنوان مقصد و مقصود همه ادیان باور دارم. تحقق آزادی به معنایی که از حقوق بشر تاویل می شود، ممکن نیست. بشر از زیر بار سلطه انسان دیگر آزاد است، ولی در بستر اجتماعی، دینی ، فرهنگی، سیاسی و غیره، آزادی معنای خاصی می یابد. آزادی از سلطه انسانی است. در تعریف انسان، می توان او را «آزاد معقول » نامید. اسقف رلف کپه در سخنرانی خود تحت عنوان «آزادی دینی و حقوق بشر در اسلام » در ادامه سخنان پروفسور لوف و تکمیل آن گفت: البته حقوق بشر در مرحله پیدایش خود، به لحاظ تاریخی، چیزی به پیشرفت و موفقیت بشریت نیفزود و اصولا بدین هدف بوجود نیامد، بلکه توجه به فقر و مسائل بشر به لحاظ استثماری و استعماری، سبب پیدایش و تدوین اصول حقوق بشر گردید و در واقع، نتیجه تاریخ بدبختی و بحرانی که بشر در آن غوطه ور بود، سبب پیدایی حقوق بشر شد. پس، هدف، تکامل انسان نبوده، بلکه در آن، رفاه نسبی انسان و امنیت او، به لحاظ اجتماعی و سیاسی، مدنظر قرار گرفته است.

سخنران در ادامه سخنان خود به خدماتی که مسیحیت می تواند در اعتلا و قانونمندی حقوق بشر ارائه دهد، پرداخت.

دومین سخنران این روز، استاد محمد مجتهد شبستری بود که سخنرانی خود را تحت «قرآن و مسائل حقوق بشر» به زبان آلمانی ایراد کرد. او گفت: بحث حقوق بشر از دیدگاه دین مسیح، حدود دو قرن سابقه دارد، ولی در عالم اسلام، مبحث تازه ای است و بعضی از متکلمین مسلمان، حدود بیست - سی سال است که هم خود را بدان معطوف داشته اند. از قبل، بحث حقوق بشر، انسان همبستگی، حقوق، معنا و ارزش دیگری به خود می گیرد. ما امروزه وظیفه انسانی خود می دانیم که ارزشهای اخلاقی به معنای جدید را در ابتدا بفهمیم و به لحاظ دینی، پاسخی برای آنها بیابیم. به عبارت دیگر، آنها را مورد ارزیابی دینی قرار دهیم. در قرآن، ما به واژه های متعدد انسان شناسی دینی در قالب الفاظ متفاوت برمی خوریم: «لقد کرمنا بنی آدم »، (Menschenw rde) ،بنی آدم، (Menschen alle) ،عدل، خلیفة الله. خدا همه انسانها را به عنوان فرد، (Person) با حقوق مشخص در نظر می گیرد. مادامی که این حقوق را نشناسیم، نمی توانیم انسان را به عنوان Person یا فرد در نظر بگیریم. وی گفت: توجه کنید که من از «تکلیف » صحبت نمی کنم،بلکه از فرد بودن، عنوان بشر را مراد می کنم. خداوند در قرآن به خدایی خود قسم یاد می کند و می فرماید: من شما را با عشق آفریدم. طبیعت انسانی از شناخت و رابطه میان انسان و خدا به وجود می آید. هیچ دینی نباید خود را بر دین دیگر تحمیل کند.

لااکراه فی الدین.

حقوق خانواده محفوظ است. هیچ کس نباید در امر ازدواج دو فرد کامل دخالتی نماید. زن و شوهر حق دارند به اراده خود و نه دخالت دیگران، از یکدیگر جدا شوند. ادامه زندگی زن و شوهر تحمیلی نیست و این نکته ای است که در مذهب کاتولیک ممنوع است و به نظر می آید با حقوق بشر مغایر باشد. مسلمانان می توانند با آزادی اقتصادی، سیاسی، نظام قوانین و رابطه خود را با کشور خود و سایر کشورها براساس ضابطه ای قرار دهند که از حقوق بشر و معنای امروزی آن مراد می شود. در اسلام آزادی اندیشه، به معنای آزادی مطلق و بی مهار فکر نیست، بلکه حدود دارد. ما می توانیم بنای دین خود را به تعبیر امروزی، تفسیر و تبیین کنیم. تاویل منابع دینی، البته در طول تاریخ اسلام، به معنای امروزی آن نبوده است. به نظر ما، متون دینی باید از دیدگاه انتقادی، نقد و بررسی شوند، ولی مرادمان، نقد منفی نیست، بلکه تفسیر مثبت آن است. جوهره دینی اسلام را باید از طریق نقد ارزیابی کرد. به نظر استاد شبستری، حقوق بشر را باید خوب شناخت، فهمید و برای تطبیق آن با دیدگاههای دینی، راهی جست.

در بخش گفت و گو و پرسش و پاسخ، اکثر سؤالات از طرف ایرانیهای حاضر در جلسه که چپ گرا بودند، مطرح می شد. نقطه ثقل سؤالات بر حقوق زن، حق طلاق یک جانبه از سوی مرد مسلمان، ازدواج اجباری در سنین کم در کشورهای اسلامی، سانسور در مطبوعات در قالب حرمت حریم آزادی، التقاط سیاست و دین و استفاده ابزاری از دین برای حکومت، طرح دو دیدگاه اصولیون و مجتهدون در ایران (اصولیون معتقد به پای بندی به اصول دین مطابق کتاب و سنت به موازات هم هستند و مجتهدون معتقدند که باید از اجازه و اختیار اجتهاد استفاده کرد و مباحث دینی را با مسائل روز تلفیق نمود) بود. مستمعین نظر سخنران را در این مورد جویا می شدند. اینها سؤالاتی بود که از سخنران ایرانی می شد و ایشان نیز پاسخهای کوتاه و منطقی می داد.

سخنران بعد از ظهر همین روز که جلسه پایانی نیز بود، آقای پروفسور محمد ارکون، استاد الجزایری الاصل از دانشگاه سوربن فرانسه بود. او گفت: هفتمین بار است که از سوی آکادمی کاتولیکها دعوت به سخنرانی می شود و با علاقه در آن شرکت می کند; چون در میان کشورهای اروپایی، بیشتر به آلمان به لحاظ همزیستی با متجاوز از 4 میلیون خارجی و 5/2 میلیون مسلمان، علاقه مند است. زندگی مسلمانان در آلمان دارای پیشینه می باشد. از طرفی، در طول تاریخ، هیچ کشور اسلامی مستعمره آلمان نبوده است.

پروفسور ارکون سخن خود را با این مضمون شروع کرد که ما در قرآن «آزادی دین » نداریم. هرچند در تایید سخنان استاد شبستری، «لااکره فی الدین » داریم. «آزادی دین » واژه ای است که جامعه مدرن، سیاست مدرن مطرح کرده است. هیچ دینی به خودی خود، اجازه نمی دهد که شما بتوانید از آن عدول کنید; نه تورات، نه انجیل و نه قرآن. آزادی دین، ریشه در انقلاب بورژوایی دارد. در حال حاضر، پنج میلیون مسلمان در فرانسه زندگی می کنند. الجزایر مستعمره فرانسه بود و من [سخنران] فرزند استعمارم. معنای آن را با تمام وجودم حس کرده ام. تا پانزده سالگی در الجزایر بوده ام و بعد به فرانسه آمده ام و الان در همان کشوری که سرزمین آبا و اجدادم را استعمار کرده بود، استاد دانشگاهم. حدود سه میلیون مسلمان در آلمان زندگی می کنند. اسلام شناسی در دانشگاههای هر دو کشور، بسیار ضعیف و خنثی است. همیشه این بخش از دانشگاهها، با کمبود بودجه روبرو هستند. تحقیقات انجام شده، فاقد روح اسلامی است. صرفا تحقیقاتی و جمع آوری اسناد است. او به عنوان مثال، به کتاب هفت جلدی آقای پروفسور فان اس، استاد دانشگاه توبینگن تحت عنوان «کلام و جامعه در قرون دوم و سوم هجری » (1) اشاره کرد و گفت: محقق و مؤلف محترم کتاب به لحاظ تاریخی زحمت بسیار کشیده، ولی کسی با مطالعه همه مجلدات آن، به روح اسلامی پی نمی برد. برای چنین کتابی، بودجه چاپ تامین می شود، ولی بودجه برای کوچکترین تبلیغ دینی مسلمانان، مشمول صرفه جویی می شود. چگونه می توان در حقوق بشر از «آزادی دینی » صحبت کرد. آیا در کشوری مثل آلمان، مسلمانان به اندازه مسیحیان از حقوق دینی برخوردارند؟ آلمانی از اینکه شهروند ترک مسلمانش تغییر هویت داده و در قالب اروپایی درآمده، احساس رضایت می کند و آن را نشانه تمدن می داند. کتابهای دینی درسی در مدارس آلمان، در مقایسه با کتابهای دینی کلیساها، برای دانش آموزان بیانگر بسیاری از واقعیات تلخ است. اسلام در کتابهای درسی اروپابه معنایی است که کشورهای غربی می خواهند و نه به صورتی که هست. بنابراین،حرفم در ایجاد راه جدیدی در کلام و حقوق بشر خلاصه می شود.

وی افزود: من با تعبیر پلورالیسم دینی و جهانی شدن دین مخالفم. این هم تعبیر غربی از دین است و متاسفانه روشنفکران مسلمان، بعضا آگاهانه و اکثرا ناآگاهانه، بدان مبتلا شده اند و آن را نشانه تجدد یافته اند. تسامح دینی نباید به پلورالیسم دینی تعبیر شود. شما چگونه می توانید مساله ممنوعیت حجاب در مدارس رسمی فرانسه را به رعایت حقوق بشر تعبیر کنید. در این زمینه، آلمان بیشتر از فرانسه مدارا می کند، ولی من به شخصه معتقدم که آلمان هم انتظار تغییر هویت مسلمانان مقیم خود را می کشد.

از دیدگاه آقای پروفسور ارکون، حقوق بشر جامعه ای را تصور می کند که در آن، از طرفی افراد از یکدیگر منفصل و مجزا شده و از طرف دیگر، این جامعه تجزیه شده، صاحب حقوق مشترک می گردد. او این سؤال را مطرح کرد که بشر به خودی خود چه معنایی دارد؟ به چه دلیل حقوقش، حقوق بشر نامیده می شود. او به بند 10 اعلامیه حقوق بشر فرانسه اشاره کرد که هیچ کس را نمی توان به لحاظ عقایدش، حتی عقاید مذهبی، مورد آزار قرار داد، مگر آنکه ابراز این عقاید، نظم عمومی تعیین شده توسط دولت را برهم زند و در بند 11 آن چنین آمده: تبادل آزادانه افکار و عقاید، یکی از باارزشترین حقوق انسان است. بنابراین، هر شهروندی حق بیان، تقریر و نشر آزادانه آن را داراست، مگر در مورد سوء استفاده از این آزادی به حکم قانون. در عمل، همین کشور آزادیخواه که خود بانی حقوق بشر می باشد، حجاب اسلامی را مخالف معیارها و ارزشهای مصوبه می داند.

آنگاه او به تعریف حقوق و تکلیف و رابطه این دو پرداخت. سخنرانی آقای ارکون در بین مستعمین سؤالات گوناگونی را مطرح ساخت. دست اندرکاران سمینار نیز خود طرح سؤال می کردند و طرحی نو ارائه می دادند.

در جمع بندی می توان به چند نکته اشاره کرد:

الف: اعلامیه جهانی حقوق بشر بیشتر یک توافق بین الدولی است تا یک تفاهم بین المللی

ب: این اعلامیه ماهیتا حقوق بشر نیست، بلکه با تسامح، حقوق همنوعان یا حقوق مردم است.

ج: تفاهم در مبانی حقوق بشر یا حقوق انسان، به دلیل تفسیرهای مختلف مذاهب و مکاتب از انسان و انسانیت، اگر محال عقلی نباشد، غیرمحتمل است.

منبع:

سفارت ج. ا. ا - بن

پی نوشت:

1) عنوان اصلی کتاب . Jahrhundert Hidschra Theologie und Gesellschaft im 2. und 3 است که در سال 1377 برنده کتاب سال شد.